





دانشگاه آزاد اسلامی تبریز
۱۳۷۸

دانشکده‌ی فرش

پایان نامه

جهت اخذ درجه‌ی کارشناسی ارشد

رشته پژوهش هنر

عنوان:

**تجلی روایت اسطوره‌ای حقیقت در سی مرغ و ایکاروس با روش اسطوره‌سنجی
(با تکیه بر نگارگری‌های دوره‌ی ایلخانی)**

پژوهشگر:

مینا دوستی

اساتید راهنما:

جناب آقای دکتر بهمن نامور مطلق

جناب آقای دکتر باقر صدری نیا

استاد مشاور:

جناب آقای حسن صالحی

بهمن ۱۳۹۲

بسمه تعالی
مشخصات پایان نامه تحصیلی دانشجویی
چکیده پایان نامه

عنوان پایان نامه: "تجلی روایت اسطوره‌ای حقیقت در سیمرغ و ایکاروس با روش اسطوره‌سنجی (با تکیه بر نگارگری‌های دوره‌ی ایلخانی)"

اساتید راهنما: جناب آقای دکتر بهمن نامور مطلق، جناب آقای دکتر باقر صدری نیا

استاد مشاور: جناب آقای حسن صالحی

نام دانشجو: مینا دوستی

شماره دانشجویی: ۹۰۱۳۱۸۰۳ ■ کارشناسی ارشد ■ دکتری [تعداد صفحات: ۱۴۷

دانشکده: فرش گروه: پژوهش هنر تاریخ دفاع: ۹۲/۱۱/۲۶ تاریخ تصویب:

چکیده:

حقیقت در فرهنگ‌ها و تمدن‌های متفاوت دارای تعاریف متعددی است که برخی از آن‌ها با بهره‌گیری از روایت‌های اسطوره‌ای ارائه می‌شود. یکی از نمودهای حقیقت در هنر و ادبیات باستانی، خورشید است که چون نماد نور و آتش است، به عنوان تجسمی از خدا و حقیقت دیده‌نشدنی در نظر گرفته شده است. نمونه‌ای از این روایت‌ها در باب حقیقت و خورشید در داستان سیمرغ و ایکاروس می‌توان دید، با این حال در فرهنگ ایران تنها با طی مراحل سیر و سلوک دشوار می‌توان به کنه حقیقت دست یافت که نمود آن به وضوح در داستان منطق‌الطیر عطار و هفت وادی او قابل مشاهده است، در حالی‌که دستیابی به حقیقت در فرهنگ یونان چنان‌که از داستان ایکاروس استنباط می‌شود، شکل متفاوتی به خود می‌پذیرد و در آن خبری از وادی‌های سخت و دشوار نیست. از این رو پرسشی مطرح می‌شود اینست که چه تشابه و تفاوتی در این دو روایت اسطوره‌ای وجود دارد و بافت خاص هر کدام، چه تأثیری بر شکل‌گیری این داستان‌ها داشته است؟

در این راستا، رساله‌ی پیش‌رو، با استفاده از روش تطبیقی با رویکرد اسطوره‌سنجی ژیلبر دوران و با تکیه بر منظومه‌ی روزانه‌ی تخیلات، این دو داستان را در بافت‌های فرهنگی و پارادایم‌های جداگانه بررسی کرده و الگوهای مشترک و مجزای موجود در هر کدام را شرح داده است. هدف این تحقیق نیز تأکید بر شناسایی انحاء تجلی حقیقت در اسطوره و هنر در تمدن‌های متفاوت است. با مطالعه‌ی آثار و نتایج یافته شده چنین برمی‌آید که هر چند هر دو داستان دارای هدف مشترکی هستند ولی از لحاظ ساختاری تفاوت‌هایی میان آن‌ها وجود دارد از جمله، در پایان داستان سی‌مرغ بحث جسمیت مطرح نیست اما در داستان ایکاروس، هنوز هم تأکید بر جسم است و این به معنی عدم قطع کامل از تعلقات انسانی و مادی است.

واژگان کلیدی: حقیقت، اسطوره، سیمرغ، ایکاروس، اسطوره‌سنجی.

امضای استاد راهنما:

تاریخ

امضا

فصل اول: مقدمه و کلیات تحقیق

۱-۱- مقدمه.....	۲
۲-۱- بیان مسئله (سئوال اصلی و اولیه‌ی پژوهش).....	۴
۳-۱- سوالات تحقیق.....	۵
۴-۱- اهمیت و ضرورت موضوع تحقیق.....	۵
۵-۱- اهداف تحقیق.....	۶
۷-۱- روش تحقیق و گردآوری اطلاعات.....	۶
۸-۱- پیشینه‌ی تحقیق.....	۶
۹-۱- شرح واژگان و اصطلاحات کلیدی.....	۸

فصل دوم: روش اسطوره‌سنجی ژیلبر دوران

مقدمه.....	۱۱
۱-۱-۱- اسطوره.....	۱۱
۱-۱-۲- تعریف اسطوره.....	۱۱
۲-۲- رویکرد اسطوره‌سنجی.....	۱۶
۳-۲- ژیلبر دوران.....	۱۶
۱-۳-۲- معرفی ژیلبر دوران.....	۱۶
۲-۳-۲- سبک‌ها یا روش‌های ژیلبر دوران.....	۱۷
۱-۲-۳-۲- تخیل.....	۱۷
۲-۲-۳-۲- منظومه‌های شبانه، روزانه.....	۱۸
۱-۲-۲-۳-۲- کهن‌الگوها و محرک‌ها.....	۲۰

۲۲ روان سنجی..... ۳-۲-۳-۲
۲۳ اسطوره‌سنجی..... ۴-۲-۳-۲
۲۳ اسطوره‌سنجی دورانی..... ۱-۴-۲-۳-۲
۲۷ اسطوره‌سنجی برونلی..... ۲-۴-۲-۳-۲
۲۸ اسطوره روش‌شناسی..... ۵-۲-۳-۲

فصل سوم: سیمرغ

۳۱ مقدمه.....
۳۱ ریشه‌شناسی سیمرغ..... ۱-۳
۳۴ جایگاه سیمرغ..... ۱-۱-۳
۳۷ سیمرغ دوره‌ی پیشا اسلامی..... ۲-۱-۳
۳۷ اوستا و متون پهلوی..... ۱-۲-۱-۳
۳۸ دوره‌ی ساسانی..... ۲-۲-۱-۳
۴۵ آیین زروانیسم و بحث ثنویت..... ۳-۲-۱-۳
۴۴ سیمرغ در متون پس از اسلام..... ۲-۳
۴۴ شاهنامه..... ۱-۲-۳
۵۰ سایر متون..... ۲-۲-۳
۶۶ رسالة الطیور..... ۳-۳
۶۷ رسالة الطیر ابن سینا..... ۱-۳-۳
۷۰ رسالة الطیر عین القضاء همدانی و غزالی..... ۲-۳-۳
۷۱ رسالة الطیر سهروردی..... ۳-۳-۳
۷۳ منطق الطیر..... ۴-۳
۷۴ منطق الطیر خاقانی شروانی..... ۱-۴-۳
۷۵ منطق الطیر عطار..... ۲-۴-۳
۸۰ نمادشناسی مرغان عطار..... ۱-۲-۴-۳

- ۵-۳- تاثیر متقابل متن بر نگاره (نگاره های سیمرغ دوره ی ایلخانی) ۸۶
- ۵-۳-۱- نقش ازدها..... ۹۴

فصل چهارم: از ایکاروس تا خورشید

- ۴-۱- اسطوره ی ایکاروس..... ۱۰۱
- ۴-۲- نقش نماد گونه ی خورشید ۱۱۲
- ۴-۲-۱- خورشید در فرهنگ ایران..... ۱۱۲
- ۴-۲-۲- خورشید در فرهنگ یونان..... ۱۱۴
- ۴-۲-۲-۱- بررسی اشتراکات میان خورشید و سیمرغ..... ۱۱۵
- ۴-۲-۲-۲- نقش کانونی عنصر خورشید در اسطوره ی ایکاروس..... ۱۱۶

فصل پنجم: جمع بندی

- ۵-۱- پایان کار سیمرغ..... ۱۱۸
- ۵-۲- پایان کار ایکاروس..... ۱۲۰
- ۵-۳- بررسی تطبیقی سیمرغ (سی مرغ) و ایکاروس و غایت مندی آنها..... ۱۲۲
- ۵-۳-۱- اختلافات سیمرغ و ایکاروس..... ۱۲۲
- ۵-۳-۲- اشتراکات سیمرغ و ایکاروس..... ۱۲۹
- ۵-۴- نتیجه گیری..... ۱۳۰

۱۳۵..... فهرست منابع و مأخذ.....

۱۴۱..... ضمائم.....

فهرست تصاویر

عنوان

صفحه

- تصویر (۱-۳) بشقاب طلا و نقره با نقش سیمرغ، موزه آرمیتاژ، دوره ی ساسانی (www.cias.org)..... ۳۸
- تصویر (۲-۳). سیمرغ حکاکی شده بر دیواره ی طاق بستان، دوره ی ساسانی (www.asia.si.edu)..... ۳۹
- تصویر (۳-۳) نقش برجسته گچی سیمرغ، سده ۷ و ۸ م، چال طرهان (www.Artamadan.ir)..... ۳۹
- تصویر (۴-۳) نقاشی دیواری، دیوار افراسیاب، سمرقند (www.wikipedia.org)..... ۴۱
- تصویر (۵-۳) پارچه منقوش ساسانی با نقش سیمرغ، قرن ۷ ب.م (گیرشمن، ۱۳۵۰: ۳۹)..... ۴۱
- تصویر (۶-۳) پارچه ساتن، سده های ششم و هفتم هجری (پوپ و اکرم، ۱۳۸۷: ۵۵)..... ۴۲
- تصویر (۷-۳) برنز بدست آمده از لرستان، با نقش زروان (پوپ و اکرم، ۱۳۸۷: ۷۳)..... ۴۳
- تصویر (۸-۳) نسخه خطی شاهنامه، سیمرغ و زال (www.poetry-chikhana.com)..... ۴۶
- تصویر (۹-۳) نسخه خطی شاهنامه، دوران ایلخانی (www.content.lib.washington.edu)..... ۴۷
- تصویر (۱۰-۳) نسخه خطی شاهنامه، دوران ایلخانی، بازگشتن زال به سام (www.oe1.orf.at)..... ۴۷
- تصویر (۱۱-۳) تصویر شاهنامه کشمیر، به دنیا آمدن رستم، ایلخانی (پوپ و اکرم، ۱۳۸۷: ۴۶)..... ۴۸
- تصویر (۱۲-۳) تصویر شاهنامه کشمیر، اسفندیار و سیمرغ، ایلخانی (پوپ و اکرم، ۱۳۸۷: ۵۹)..... ۴۹
- تصویر (۱۳-۳) کلیله و دمنه، سیمرغ و پرندگان، قرن پنجم، کتابخانه بریتانیا (www.pinterest.com)..... ۵۱
- تصویر (۱۴-۳) سیمرغ و مرد اصفهانی، عجایب المخلوقات قزوینی (www.pinterest.com)..... ۵۸
- تصویر (۱۵-۳) سیمرغ و مرد اصفهانی، عجایب المخلوقات قزوینی (المکموئی القزوینی، ۱۳۶۱: ۱۲۳)..... ۵۹
- تصویر (۱۶-۳) منطق الطیر عطار، طاووس و هدهد، دوره ایلخانی، موزه بریتانیا (عکاشه، ۱۳۸۰: ۵۲)..... ۸۰
- تصویر (۱۷-۳) کنفرانس پرندگان، نسخه ترکی عجایب المخلوقات (www.waltermuseum.com)..... ۸۴
- تصویر (۱۸-۳) منافع الحیوان، ایلخانی، موزه مورگان نیویورک (www.iranicaonline.org)..... ۸۸
- تصویر (۱۹-۳) سیمرغ (Anqa)، کپی عجایب المخلوقات، احتمالاً ایلخانی (www.Simurgh, via.gov)..... ۸۹
- تصویر (۲۰-۳) نسخه ی خطی شاهنامه، سیمرغ و زال (www.bl.uk/learning.htm)..... ۹۰
- تصویر (۲۱-۳) سیمرغ و اسفندیار، نسخه خطی شاهنامه، ایلخانی (www.Arthistoryarchive.com)..... ۹۰
- تصویر (۲۲-۳) سام و همراهان، شاهنامه فردوسی، ایلخانی، موزه لندن (www.alaintruong.com)..... ۹۱
- تصویر (۲۳-۳) کاشی با نقش سیمرغ، ایلخانی، موزه ویکتوریا آلبرت (www.journywithiqbal.com)..... ۹۱
- تصویر (۲۴-۳) سیمرغ با سر سگ و پنجه های شیر، کپی شاهنامه، ایلخانی (www.7Junipers.com)..... ۹۲
- تصویر (۲۵-۳) خوان پنجم اسفندیار، ایلخانی، کتابخانه بریجمن آمریکا (www.bridgman.com)..... ۹۲
- تصویر (۲۶-۳) تشابه سیمرغ و اژدها، ایلخانی، موزه ی متروپولیتن لندن (www.metmuseum.org)..... ۹۳
- تصویر (۲۷-۳) نسخه شاهنامه متعلق به قرن پنجم، ایلخانی، بخارا (سرخوش کرتیس، ۱۳۹۰: ۱۱۸)..... ۹۴
- تصویر (۲۸-۳) سفال های celaolon با نقش اژدها (www.ebay.de)..... ۹۶
- تصویر (۲۹-۳) کاشی با نقش سیمرغ، تخت سلیمان، ایلخانی (www.arthistory.wisc.com)..... ۹۸
- تصویر (۳۰-۳) کاشی کاری تخت سلیمان، نقش اژدهای چینی، ایلخانی (Komaroff, 1992, 219)..... ۹۸

- تصویر (۳-۳۱) معبد داش کسن، سلطانیه، ازدهای دوران ایلخانی با تأثیر از چین (عکس از نگارنده). ۹۹.....
- تصویر (۴-۱) لایبرنت، شهر مسین، موزه باستان‌شناسی آتن (www.pintererst.com). ۱۰۴.....
- تصویر (۴-۲) سکه‌ی نقره ساخته شده در کنوسوس، قرن چهارم ق.م. ۱۰۵.....
- تصویر (۴-۳) جام منقوش سرخ رنگ آتنی، ۴۲۰-۴۴۰ ق.م (برن و گاردنر، ۱۳۸۳: ۳۵). ۱۰۵.....
- تصویر (۴-۴) ددالوس به همراه پسرش ایکاروس (Britanica, vol 3). ۱۰۸.....
- تصویر (۴-۵) نقش برجسته سقوط ایکاروس به دریا (www.Icarusfallen/labyrinth.php). ۱۰۸.....
- تصویر (۴-۶) گلدان سیاه و سفید، قرن ششم، پرواز ددالوس، موزه لوور (www.jstor.org/stable). ۱۰۹.....
- تصویر (۴-۷) نقش گلدانی، قرن ششم م، داستان پرواز ایکاروس، موزه لوور (www.Jstore.org). ۱۱۱.....
- تصویر (۴-۸) راست: سقوط ایکاروس، چپ: دایدالوس، ۱۹۶۰ (لنسن گرین، ۱۳۷۵: ۱۱). ۱۱۱.....
- تصویر (۵-۱) شهر آتن، جزیره ی کرت و ایکاریا، یونان، قرن ۱۵ م، (www.pinterest.com). ۱۲۴.....

فهرست جدول ها

صفحه	عنوان
۸۶.....	جدول (۱-۳) بررسی کلی خصوصیات سیمرغ در متون مختلف (طرح از نگارنده).
۱۲۱.....	جدول (۱-۵) کلیت داستان سی مرغ و ایکاروس (طرح از نگارنده).
۱۳۲.....	جدول (۲-۵) تاثیر محرکه ها و کهن الگوها بر روی داستان سی مرغ و ایکاروس (طرح از نگارنده).
۱۳۳.....	جدول (۳-۵) تحلیل داستانهای دو داستان با روش منظومه‌ی روزانه (طرح از نگارنده).

فصل اول

مقدمه و کلیات تحقیق

اسطوره‌ها در گذشته و حال همواره نقش اساسی را در زندگی بشر ایفا کرده‌اند. اسطوره، راوی واقعه‌ای است که برای اولین بار در زمانی نامشخص رخ داده است و می‌تواند کلی از یک واقعیت جزئی و یا جزئی از یک واقعیت کلی باشد، کل اسطوره قسمتی از تاریخ است، چرا که اسطوره از دیدگاه‌های انسان درباره‌ی ماهیت خود و جهان پیرامونش بحث می‌کند و این خصوصاً در مورد اساطیر ایران و یونان قابل تعمیم می‌باشد (Hinnells, 2009: 162). در دین زردشت اسطوره و تاریخ با هم در می‌آمیزند. ایرانیان کل تاریخ گذشته، حال و آینده‌ی خود را در لوای اساطیر درک نموده و از نظر آنان، تاریخ صحنه‌ی نبرد میان خیر و شر است و اهمیت و ارزش حوادثی که در این صحنه رخداد می‌کند، تنها زمانی کاملاً درک می‌شود که در پس پرده مقصود و فطرت خدا حضور یابد و رویت شود (Ibid: 170).

«اسطوره کلمه‌ای معرب است که از واژه‌ی یونانی هیستوریا^۱، به معنی جستجو، آگاهی و داستان گرفته شده است. برای بیان مفهوم اسطوره در زبان‌های اروپایی از واژه‌ی میتوس^۲، به معنی شرح، خبر و قصه استفاده شده است. در زبان انگلیسی^۳ و فرانسه^۴ میت گفته می‌شود. در واقع بازمانده‌ی این واژه در زبان انگلیسی به معنای حقیقت و حکایت^۵ است و در زبان فرانسه^۶ این کلمه، تاریخ و حکایت معنی می‌دهد» (آموزگار، ۱۳۸۶: ۳).

در یونان نیز از واژه‌ی میت در قالب اسطوره بهره می‌برند. این واژه به دلیل قدمت طولانی که در غرب داراست به معانی مختلف و گاه بسیار متضاد به کار می‌رود که موجب دشواری درک این لغت می‌گردد (نامور مطلق، ۱۳۹۲: ۱۶-۱۷). در زبان ما اسطوره معادل واژه‌ی یونانی میتوس^۷ به معنای قول، روایت و گفتار است. یونانیان در آغاز، این کلمه را به معنای بیان شفاهی به کار می‌بردند اما رفته رفته میتوس به معنای پیرنگ و طرح نمایش به کار گرفته شد و از این رو با کنش و رفتار، پیوند گسست ناپذیری یافت. هم‌چنین از قرن ششم پیش از میلاد این واژه به مرور به معنای روایت افسانه‌ای مورد استفاده قرار گرفت (ضمیران، ۱۳۷۹: ۵۴). در فرهنگ یونان میتوس دارای نوعی منطق بود که به جای تجزیه‌ی امور بیشتر به ایجاد ترکیب میان پدیده‌ها تمایل داشت. از این رو نباید اسطوره را تجربه‌ی صرف دانست، چرا که تجربه واجد حقیقت محض نیست، حال آنکه اسطوره حقیقت را در نهاد خود بارور می‌سازد (الیاده، ۱۳۶۲: ۴۹).

مفهوم حقیقت در فرهنگ ما در دوره‌های متفاوت به شکل‌های گوناگون و در قالب‌های پیچیده‌ای بیان شده تا فهم و درک آن برای عامه ساده‌تر شود. گاه به صورت خورشید و نور و گاهی به شکل یک

Historia^۱

Mytos^۲

Myth^۳

Mythe^۴

Story^۵

Histoire^۶

Muthos^۷

موجود اسطوره‌ای به تصویر کشیده شده است. اما کمتر در قالب انسان مجسم شده و این در حالی است که در فرهنگ یونان، گرچه حقیقت مانند فرهنگ ما دست نیافتنی است؛ اما در نهایت به تجسم در آمده است و این احتمالاً به عقاید آنان در مورد کامل بودن جسم بشر و نمود خدایانشان در قالب انسانی باز می‌گردد.

در پایان نامه‌ی پیشنهادی از اسطوره‌ی سیمرغ به عنوان یک نمونه از نمود و تجلی حقیقت در فرهنگ ایرانی اسلامی صحبت می‌شود. بدین منظور سیمای سیمرغ را در منطق‌الطیر عطار که مضمون اصلی آن پرواز جمعی پرندگان (سی مرغ)، به منظور رسیدن به سیمرغ و حقیقت است، بررسی خواهد شد، و تم اصلی داستان که دستیابی به اصل و سرمنشأ حقیقت به عنوان یک نمونه‌ی کل و واحد است مورد مطالعه قرار می‌گیرد. سپس اسطوره‌ی ایکاروس و انجام کار آن بررسی و تحلیل می‌شود. در بخشی از رساله نیز بررسی تطبیقی میان سیمرغ و ایکاروس، به عنوان نمونه‌ای از اسطوره‌ی پرواز و دستیابی به حقیقت در فرهنگ یونان انجام خواهد شد و در نهایت، نقش تصویری اسطوره‌ی سیمرغ در نگارگری دوره‌ی ایلخانی - به‌علاوه‌ی بررسی‌های کلی، نمادین و تصویری این دو - مورد مطالعه قرار خواهد گرفت. پژوهش حاضر مشتمل بر پنج فصل است که بخش نخست آن، به روال متعارف، شامل اطلاعات بنیادی در باب شرح موضوع، بیان مسئله، سئوالات، فرضیه‌ها، اهمیت و ضرورت، اهداف کلی، روش پژوهش و گردآوری اطلاعات و پیشینه تحقیق می‌باشد.

فصل دوم در باب روش‌شناسی است، روش منتخب در رساله‌ی حاضر، روش اسطوره‌سنجی ژیلبر دوران می‌باشد. در این فصل پس از معرفی ژیلبر دوران و توضیح در مورد روش‌ها و رویکردهای وی، به الگوها و پارادایم‌هایی که دوران برای بررسی و تحلیل و واکاوی یک متن مورد استفاده قرار می‌دهد می‌پردازیم. سپس از اسطوره‌های خرد به اسطوره‌ای کلان دست می‌یابیم تا از مجرای آن، دو اسطوره‌ی نامبرده یعنی سیمرغ و ایکاروس را در متن خویش و بافت فرهنگی متفاوت بررسی نماییم. تأکید این رساله در روش‌شناسی بر منظومه‌ی روزانه‌ی ژیلبر دوران است که از اسطوره سنجی وام گرفته شده و شاخه‌ای از آن محسوب می‌شود.

فصل سوم به دو بخش تقسیم می‌شود، در بخش اول ابتدا سیمرغ به عنوان اسطوره‌ی کهن ایرانی مورد مطالعه قرار می‌گیرد و در متون کهن ادبی پیشا اسلامی چون اوستا و متون پهلوی، و سپس متون اسلامی از جمله شاهنامه، برزو نامه، فرامرزنامه و ...، تحلیل و واکاوی می‌شود، پس از آن به متون حکمی عرفانی که شامل رساله‌الطیور بزرگانی چون ابن‌سینا، غزالی، سهروردی، و از همه مهم‌تر (برای رساله‌ی پیش‌رو) منطق‌الطیر عطار می‌پردازیم. سپس به شرح داستان مرغان و بررسی و تطبیق نشانه‌های تصویری میان سیمرغ عطار و نگارگری‌های معاصر آن پرداخته و با رویکردی موردی و گزینشی، به تحلیل چند تصویر از دوره‌ی ایلخانی اکتفا کرده و جزء را به کل بسط می‌دهیم.

فصل چهارم شامل دو بخش است که به ترتیب بررسی خورشید به عنوان نماد حقیقت و نقطه‌ی کانونی در داستان ایکاروس و نقش آن در فرهنگ یونان می‌باشد، در این بخش اسطوره‌ی ایکاروس به‌طور مشروح بررسی شده و زوایای داستان بیان می‌گردد. و در نهایت فصل پنجم که بخش نهایی و نتیجه‌گیری است، دو داستان مورد تطبیق واقع می‌شوند و از این منظر نقاط مشترک و متفاوت موجود میان هر دو بررسی و تحلیل می‌شود.

۱-۲- بیان مسئله (سؤال اصلی و اولیه‌ی پژوهش):

داستان سیمرخ نمودی است واضح از جلوه‌گری حقیقت در تمدن ایران، که علی‌رغم شباهت ظاهری، تفاوت‌های فراوانی میان تجلی این امر در فرهنگ ایران و یونان وجود دارد. اسطوره‌ی ایکاروس خواسته یا ناخواسته در هزارتویی گرفتار می‌آید. او که در ضمیر پنهان ذهن خود میل به حرکت و خروج از این وضعیت را دارد به توصیه‌ی پدر، پرواز را برمی‌گزیند. اما این یک پرواز عادی نیست و ایکاروس را از یک انسان به اسطوره‌ای جاودانه مبدل می‌کند. ایکاروس در این حرکت، به عمق وجود خود و آنچه در ضمیر ناخودآگاهش پنهان شده، یعنی تلاش برای رسیدن و روبروشدن با ناشناخته‌ها و آن چه دست نیافتنی است، پی می‌برد. او می‌توانست همچون پدرش راه مستقیم و بی‌خطر را در پیش بگیرد تا به مقصد برسد، اما غایت، از نظر ایکاروس راهی دیگر بود. ایکاروس هم مانند سی‌مرغ به زندگی بدون هدف و آگاهی علاقه‌ای نداشت، برای او نیز هم‌چون مرغان، تمامی سختی‌های مسیر به امید رسیدن به خورشید، آسان می‌نمود.

در رساله‌ی پیش‌رو بررسی ابعاد کلی هر دو داستان و پیش‌متن‌های آن‌ها، و تطبیق میان آن دو می‌باشد و سپس حضور و تجلی این پرنده در داستان‌های عرفانی بررسی خواهد شد. با توجه به این که سیمرخ در دوره‌های متفاوت به اشکال گوناگون به تصویر درآمده، و در هر دوره با گذار از دوره‌ی قبل و دارا بودن ویژگی‌های سیمرخ پیشین، فرمی جدید یافته است؛ با این وجود مشخص نیست که تأثیر مضمون کلی رساله‌الطیور به‌طور ویژه منطق‌الطیور عطار- بر نگارگری‌های دوره‌ی خود به چه صورت بوده است. بدین منظور سعی می‌شود شباهت‌ها و تفاوت‌ها و یا تأثیر متقابل سیمرخ تصویری بر روی نظام‌های ادبی هم- دوره‌اش با تأکید بر منطق‌الطیور عطار به‌طور موردی و رسالات‌الطیور در شکل کلی‌تر آن بررسی گردد. و این نکته با توجه به نزدیکی زمان تألیف این رساله‌ها با دوران ایلخانی قابل تحلیل و بررسی است. بر این اساس سوالی مطرح می‌شود مبنی بر این که نظام ادبی بر روی نگارگری‌های هم‌دوره‌ی خود- ایلخانی- به چه صورت تأثیر داشته است.

۳-۱- سوالات تحقیق:

- ۱- سی مرغ و ایکاروس هر یک به چه دلایلی به سوی حقیقت یا مظهر حقیقت پرواز می کنند؟
- ۲- تفاوت در معنای حقیقت، چه تأثیری در نحوه دستیابی به آن دارد؟
- ۳- چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی میان کلیت دو داستان سی مرغ و ایکاروس مطرح است؟
- ۴- نگاره‌های سیمرخ در دوره ایلخانی از چه تأثیری از منطق الطیر عطار پذیرفته‌اند؟
- ۵- نگارگران دوره ی ایلخانی در مصورکردن سیمرخ از چه متونی و به چه دلایلی استفاده می کردند؟

۴-۱- اهمیت و ضرورت موضوع تحقیق:

در باب اهمیت این تحقیق قابل ذکر است که اگر چه در مورد منطق الطیور و اسطوره‌ی ایکاروس و هم‌چنین نگارگری‌های سیمرخ ایلخانی - چه در فلسفه و چه در هنر و فرهنگ - پژوهش‌های خوبی صورت گرفته اما در اکثر موارد با رویکردی موردی مواجه بوده‌ایم به گونه‌ای که تقریباً در هیچ‌کدام از این بررسی‌ها، به تفکر فلسفی کلی در این باب با دیدگاهی تبارشناسانه و تحلیلی، و تطبیق و بازنمود ماهیت این تفکر در دو فرهنگ متفاوت توجه نشده و در بسیاری موارد تنها توصیف و تحلیلی جداگانه از آن‌ها صورت گرفته است. لذا ضرورت ایجاب می‌کند به منظور شناخت جنبه‌های گوناگون این دو داستان، یک درون شکافی جدی از آن‌ها به عمل آید و هر کدام با تحلیل جدید علاوه و با بررسی نظام ادبی بر روی نشانه‌های تصویری و بالعکس ارزیابی و سنجیده شود.

۵-۱- اهداف تحقیق:

- بیان شرحی در مورد انگیزه‌ی ایجاد داستان‌ها بر اساس پیش‌متن‌هایی که در هر دو فرهنگ وجود دارد و نگرشی بر عوامل محرک و انگیزه‌ی شکل‌گیری آن‌ها.
- فلسفه‌ی پرواز در هر دو حکایت و این‌که یک هدف غایی بر هر دو داستان حاکم است و آن، حرکت از نوع پر کشیدن است به سوی نقطه‌ای دوردست و دست نیافتنی است.
- مضمون پرواز در منطق الطیر عطار و نمود آن در نگاره‌های سیمرخ دوره ایلخانی و تجلی حقیقت در یونان با تکیه بر اسطوره‌ی ایکاروس.

-خاتمه یافتن داستان منطق الطیر پس از دیدار سیمرغ و رسیدن به خودشناسی، و اتمام داستان ایکاروس پس از رویارویی با خورشید و سوختن پر و بالش در حقیقت.
-تحلیل نگاره های سیمرغ دوره ی ایلخانی و یافتن اصل و سرمنشأ آن ها.

۱-۶- روش تحقیق و گردآوری اطلاعات:

روش این تحقیق، توصیفی تحلیلی است. در این تحقیق از شیوهی مطالعات تطبیقی با رویکرد اسطوره‌سنجی نیز استفاده می‌شود که با رویکرد جزیی‌تری به شیوهی منظومه‌ی روزانه‌ی تخیلات ژیلبردوران مورد تحلیل و واکاوی قرار می‌گیرد و با این روش مقایسه شباهت‌ها و تفاوت‌های دو داستان پیش‌رو مورد بررسی قرار می‌گیرد. گردآوری اطلاعات به صورت پژوهش‌های کتابخانه‌ای، فیش‌برداری و بررسی مطالب موجود در این زمینه صورت گرفته است.

۱-۷- پیشینه‌ی تحقیق:

رساله‌ی پیش رو با در نظر گرفتن مطالعات انجام گرفته در گذشته و نیز با تأکید بر نکاتی که کمتر مورد توجه واقع شده‌اند، تدوین شده است. حضور سیمرغ پیش از اسلام ابتدا در اوستا و یشت‌ها ترجمه و تفسیر ابراهیم پوداود و مینوی خرد ترجمه احمد تفضلی قابل بررسی است. در این کتب سیمرغ، اهورایی است و اثری از چهره‌ی اهریمنی در آن نمی‌بینیم.

در شرح داستان مرغان از مقاله‌ای با عنوان *عقل و فلسفه از نظرگاه عطار* نوشته‌ی تقی پورنامداریان که در آن به نکات رمزی به شرح و تحلیل پرداخته‌اند.

مقالاتی نیز در این‌باره نگاشته شده که در بعضی از آن‌ها تطبیقی میان سیمرغ و موضوعی مشابه با آن، صورت گرفته است که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به مقاله‌ی *بررسی تصویر نماد سیمرغ (با تأکید بر شاهنامه فردوسی و منطق الطیر عطار)* نوشته‌ی محمد خزایی و فرنیاز فربود و هم‌چنین سیمرغ و نقش آن در عرفان ایران نوشته‌ی محمد جواد مشکور اشاره نمود.

در مقاله‌ی *ردپای عرفان‌گرایی شرقی در نمایشنامه «براند» اثر ایسن با نگاهی بر «منطق الطیر» عطار* نوشته‌ی فاطمه مدنی سربارانی، سعی در تحلیل سی‌مرغی است که در جستجوی حقیقت و رستگاری می‌باشند. و سپس بررسی تطبیقی میان داستان عطار و نمایشنامه‌ی براند نوشته‌ی هنریک ایسن صورت داده است، که از این جهت ارزشمند است. در نوشته‌ی دیگری با عنوان *اعتقاد به منجی بر اساس «ضمیر ناخودآگاه جمعی» یونگ با بررسی اسطوره‌ی کهن سیمرغ و اسطوره‌ی مدرن بشقاب پرنده*، نوشته‌ی سید رضی موسوی گیلانی و مریم مولوی، ابتدا سیمرغ را بر اساس نظریه‌ی ضمیر ناخودآگاه کارل گوستاو

یونگ بررسی و تحلیل نموده، سپس نقدی مبنی بر مقایسه‌ی این اسطوره در دوران مدرن صورت داده است.

در بحث نگارگری از پایان نامه‌ای در همین خصوص با عنوان *بازتاب گفتمان عصر ایلخانی بر کاشی‌های زرین فام تخت سلیمان* نوشته‌ی زهره کامران آزاد بهره برده است.

هم‌چنین پژوهش حاضر در بخش روش‌شناسی از مقالات و کتب دکتر بهمن نامور مطلق و دکتر علی عباسی، در زمینه‌ی مطالعات اسطوره‌ای و روش اسطوره‌سنجی ژیلبر دوران با تکیه بر منظومه‌ی روزانه‌ی تخیلات استفاده نموده است. این مقالات *گذار از اسطوره‌سنجی به اسطوره‌کاوی و اسطوره‌سنجی نزد ژیلبر دوران* (مورد کاربرد آثار خاویر دو مستر) و هم‌چنین کتاب *درآمدی بر اسطوره‌شناسی نظریه‌ها و کاربردها* نوشته‌ی دکتر نامور مطلق، و *ژیلبر دوران (منظومه شبانه، منظومه روزانه) و ساختارهای تخیل از منظر ژیلبر دوران* به نگارش دکتر عباسی را شامل می‌شوند.

در مقالات و کتب ذکر شده، اسطوره‌ی سیمرغ-سی مرغ در *منطق الطیر عطار*- و داستان ایکاروس، هر کدام به طور جداگانه از جهات متفاوت بررسی و واکاوی شده‌اند. اما نکته‌ی جدید و نوآوری شده در این رساله بررسی این دو اسطوره با روش اسطوره‌سنجی است که به مطالعه و بررسی دقیق‌تر متون می‌انجامد.

هم‌چنین تحلیلی مبنی بر وجود تأثیر متقابل نظام‌های ادبی (رسالات الطیور) بر روی نگارگری‌های سیمرغ دوره‌ی ایلخانی صورت گرفته که از این جنبه نیز دارای نوآوری می‌باشد.

۱-۸- شرح واژگان و اصطلاحات کلیدی:

بی‌شک در مورد اصطلاحاتی که در عنوان تحقیق پیش‌رو به کار رفته است، ارائه‌ی تعریف و شناساندن محدوده‌ی آن‌ها الزامی است.

اسطوره: اساطیر نشان دهنده‌ی فرهنگ و نحوه‌ی تفکر مردمان در دوران‌های کهن می‌باشند، که ما را با تفکر آن‌ها آشنا می‌سازند. اسطوره‌ها، تکرار روایت‌هایی هستند که قالب زندگی انسان‌های گذشته و تمدن‌های کهن را تشکیل می‌داده‌اند و بر اساس هر داستان شکلی از زندگی جلوه می‌کرده که به صورت الگو مکرراً در میان اقوام دست به دست گشته و تا به امروز پا برجا مانده‌اند. اسطوره‌ها لزوماً حقیقتی واحد را شامل نمی‌شوند، اما هر کدام از نهاد درون بشر یا به گفته‌ی یونگ، ضمیر ناخودآگاه انسان خبر می‌دهند. در فهم عامه و در برخی از فرهنگ‌ها، اسطوره به آن چه خیالی و غیرواقعی است و جنبه‌ی افسانه‌ای محض

را دارا باشد، تلقی می‌شود. اما اسطوره را باید داستان و سرگذشتی مینوی (آسمانی، روحانی، مربوط به فراسوی جهان مادی، غیر ملموس و آن جهانی) دانست که معمولاً اصل آن معلوم نیست و شرح عمل، عقیده، نهاد یا پدیده‌ای طبیعی است به صورت فراسویی که دست کم بخشی از آن از سنت‌ها و روایت‌ها گرفته شده و با آیین‌ها و عقاید دینی پیوندی ناگسستنی دارد (آموزگار، ۱۳۸۶: ۳).

روایت اسطوره‌ای: روایت اسطوره‌ای، نقل داستانی است که پس از تکرار یک الگو، تبدیل به یک تم و یا مضمون شده است. در روایت اسطوره‌ای در واقع یک داستان از شکل ساده خود خارج شده و در قالب اسطوره در می‌آید و برای یک قوم و تمدن نقشی نمادین ایفا می‌کند. کهن‌الگوها و نمادها، با تحریک محرکه‌ها به شکل روایت سازماندهی می‌شوند، که به این شکل، روایت اسطوره‌ای می‌گویند. بنابراین اسطوره نشانگر بسیار خوبی از ساختارهای تخیل است که به وسیله‌ی محرکه‌ها و کهن‌الگوها ساختار خود را پیدا می‌کند و در این راه از هسته‌ی نمادها قوام می‌یابد (عباسی، ۱۳۹۰: ۷۱).

حقیقت: آن چه که دست یافتن به آن سهل ممتنع است، و در هر فرهنگ و تمدنی تعریف مجزا و متفاوتی را شامل می‌شود. در فرهنگ ایران تنها با طی مراحل سیر و سلوک دشوار است که می‌توان به کنه حقیقت دست یافت و نمود این گفتار را می‌توان به وضوح در داستان منطق‌الطیر عطار مشاهده کرد، این در حالی است که دستیابی به حقیقت در فرهنگ یونان با تکیه بر داستان ایکاروس شکل متفاوتی می‌پذیرد و در آن از عبور از وادی‌های سخت و دشوار خبری نیست.

سی مرغ: در داستان مرغان سروده شده توسط عرفا و خصوصاً عطار دسته‌ای از مرغان به امید یافتن پادشاه مرغان به سوی سیمرغ پرواز می‌کنند. از این عده‌ی کثیر تنها سی مرغ باقی می‌مانند که به بارگاه سیمرغ راه یافته و با خویشتن خویش ملاقات می‌نمایند و خود را در آینه‌ی سیمرغ می‌بینند.

سیمرغ: مرغی است اسطوره‌ای که در اوستا و متون پهلوی و پس از آن در شاهنامه به شکل حماسی و سپس در ادبیات عرفانی وارد می‌شود. این مرغ در هر دوره‌ای دارای تعبیرات و کنایات متفاوتی بوده ولی هرگز از حضور و نقش وی در ادبیات کهن پارسی کاسته نشده است. سیمرغ علاوه بر ایران در ادبیات عرب نیز با تغییراتی، حضور دارد.

ایکاروس: اسطوره‌ای یونانی است که برای فرار از لایبرنت به کمک پدرش بال‌هایی از پر پرندگان می‌سازد و با موم به خود متصل کرده و پرواز می‌کند. در حین پرواز، ایکاروس تحت‌تأثیر هیجان و یا کنجکاوی برای شناخت ناشناخته‌ها به سوی خورشید می‌رود و در دم، موم بال‌هایش ذوب شده و در دریا غرق می‌شود. ایکاروس نماد بلندپروازی و انسان‌های مشتاق و طالب حقیقت می‌باشد.

اسطوره‌سنجی: اساس روش اسطوره‌سنجی دوران را می‌توان در سه مرحله تشریح کرد:

- ۱- شناسایی مضمون‌های اثر، بن مایه‌ها، عناصری که به هر طریق ممکن با کوچک‌ترین واحدهای معنادار از یک گفتمان اسطوره‌ای مرتبط هستند .
- ۲- بررسی روابط موارد بالا در رفتار شخصیت‌ها و ترکیبات صحنه‌ها و موقعیت‌ها.
- ۳- تشخیص اسطوره‌ای کلان که تمامی عوامل و عناصر دو مورد بالا را در خود جای داده و دقیقاً از همین بابت بر نقد و تحلیل اثر مدنظر توانا باشد.

فصل دوم

روش اسطوره‌سنجی ژیلبردوران

مقدمه:

فصل پیش‌رو جستاری است درباره‌ی اسطوره و اسطوره‌شناسی با تأکید بر روش اسطوره‌سنجی، و هدف آن است که گفتاری هر چند مختصر و اندک در زمینه‌ی اسطوره و علل شکل‌گیری آن در فرهنگ‌ها و تمدن‌های کهن و به طور ویژه در دو تمدن ایران و یونان که زمینه‌ی بحث این رساله است، ارائه شود. ابتدا به بحث در مورد اسطوره و سپس موضوع اصلی این بخش که روش‌شناسی رساله است، پرداخته می‌شود. در این‌جا از روش اسطوره‌سنجی ژیلبردوران و تکمیل آن توسط برونل، بر اساس دست‌آوردهای و تحلیل‌های دکتر بهمن نامور مطلق و دکتر علی عباسی که بیش از سایرین بر روی آثار ژیلبردوران مطالعه و بحث و تحلیل داشته‌اند، استفاده می‌شود.

از آن‌جایی که مطالعه‌ی روش‌مند بر روی اسطوره‌های ایرانی کمتر صورت گرفته است، در این رساله تلاش بر این شده است تا اسطوره‌ی سیمرغ در انطباق با ایکاروس به روش اسطوره‌سنجی تحلیل شود. بر این اساس پس از جستاری درباره‌ی اسطوره و بحث از کلیت آن به معرفی دوران و آثارش پرداخته و

سپس روش منتخب برای رساله‌ی پیش‌رو ارائه می‌شود. در مرحله‌ی بعد به روش تحلیل اسطوره‌ای هر دو اثر بر اساس نظریه‌ی دوران، یعنی بررسی اثر در متن و سپس مقایسه‌ی آن‌ها در دو متن و با دو بستر متفاوت، بیان می‌شود. از آنجایی که هر روش یا هر پدیده‌ی فرهنگی که نسبت به پارادایم زمان خویش واکنش نشان ندهد از میان خواهد رفت، تلاش بر این است تا با استفاده از این رویکرد و با کمک روش واکاوی و تحلیل آن، به شناسایی بهتر و کامل‌تر دو اسطوره‌ی سیمرخ و ایکاروس پرداخته شود.

۲-۱-۱- اسطوره

۲-۱-۱-۱- تعریف اسطوره

ویژگی چند معنایی در اسطوره، بیشتر از مفاهیم دیگر وجود دارد. تعریف اسطوره از دیدگاه‌های مختلف دارای معانی متفاوتی می‌باشد چنانچه میان اسطوره‌ای که فروید، یونگ و لوی استروس مطرح می‌کنند، با اسطوره از دیدگاه رولان بارت، الیاده و یا آنچه در آثار پرونل بیان شده، گاه چنان تفاوت فاحش است که گویی تنها وجه اشتراک میان آن‌ها یک واژه است. اسطوره واژه‌ای است که معادل میت^۸ لاتین به کار می‌رود. واژه‌ی میت از واژه‌ی کهن یونانی یعنی میتوس^۹ گرفته شده و میتوس به معنای روایت و در برخی موارد، افسانه بکار برده شده است. قرار دادن این واژه در کنار دیگر لغات، به درک کامل‌تر معنی آن کمک می‌کند. یکی از این واژه‌ها لوگوس است که به معنای نظم و زبان بکار رفته و در مقابل کائوس^{۱۰}، به معنای بی‌نظمی قرار می‌گیرد. واژه‌ی دیگری که بعضاً با میت هم‌معنا پنداشته شده، هیستوریا^{۱۱} می‌باشد، این واژه نیز به معنای گوناگون و متضاد چون گزارش، جستجو، تاریخ و افسانه استفاده شده است. واژه‌ی میت به دلیل قدمت طولانی که در غرب داراست به معانی مختلف و گاهی بسیار متضاد به کار می‌رود و دلیل دشواری درک این لغت از همین‌جا نشأت می‌گیرد (نامور مطلق، ۱۳۹۲: ۱۶-۱۷). در تفکر یونان باستان میتوس با مفهوم لوگوس^{۱۲} به معنی کلام مربوط است. لوگوس مفهومی اساسی را شامل می‌شود، به معنی در بر گرفتن تفکر کسی که می‌اندیشد و سخن می‌گوید. میتوس همان معنی را از لحاظ عینی و کلی ادا می‌کند؛ زیرا این واژه، به مفاهیمی چون به فکر آمده و اندیشیده اشاره نمی‌کند، بلکه واقعیت فی‌نفسه و اصالت خود چیز را در برمی‌گیرد (شایگان، ۱۳۷۱: ۱۸۹). هم‌چنین به گفته‌ی برخی روانشناسان و روان‌کاوان، در درون و نهاد تمامی انسان‌ها ضمیر مشترک و واحدی وجود دارد که بسته به شرایط و مکان زندگی، تفاوت‌هایی را شامل می‌شود. اما در نهایت به شکلی واحد و در قالب پس‌زمینه و به گفته‌ی ژیلبردوران خرده اسطوره‌هایی

Myth^۸

Mythus^۹

Chaos^{۱۰}

Historia^{۱۱}

Logos^{۱۲}